

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هشتادم

زمستان ۱۳۹۸

واکاوی دلالت‌های تاریخی خطبه ام‌الخییر در دفاع از ولایت امیرمؤمنان علیه السلام

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۳۱

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۰/۲۶

۱ نفیسه فقیهی مقدس

۲ ناهید طیبی

بررسی نقش‌آفرینی‌های بانوان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی صدر اسلام، یکی از ضرورت‌های پژوهش برای فهم زوایای پنهان رویدادهای این مقطع مهم تاریخی است. مقاله حاضر که ویژه بررسی یکی از بانوان باورمند علوی به نام ام‌الخییر بنت‌الحریش بن سراقه است با روش وصفی - تحلیلی می‌کوشد، خطبه این بانو را در جنگ صفین از نظر روش و مضمون مورد توجه و تأمل قرار دهد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، ام‌الخییر با بهره‌گیری از آیات قرآن به وصف معاویه و جبهه مقابل امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرداخته است و ضمن نکوهش دنیامداری و غفلت، آنها را از مخالفت با فرامین الهی و پیروی از هوای نفس بر حذر داشته است. دیگر محورهای سخنان او به آیات دال بر ابتلا و آزمون الهی، صبرمداری، توحیدمداری، برجسته ساختن ابعاد هدایت الهی و

۱. استادیار، گروه معارف اهل‌البیت علیهم السلام، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البیت علیهم السلام، دانشگاه اصفهان: (n.faghiohi@ahl.ui.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری تاریخ، جامعه المصطفی‌العالمیه: (tayyebi110@yahoo.com).

سرانجام استناد به دلایل نقلی و عقلی برتری امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام اختصاص یافته است.

کلیدواژگان: ام‌الخییر بنت‌الحریش، جنگ صفین، معاویه، تاریخ زنان، خطابه.

۱. مقدمه

هم‌زمان با ظهور اسلام، بانوان مسلمان در صحنه‌های گوناگون نقش آفرین بودند و بی‌شک، مجاهدت‌های علمی و فرهنگی حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان اولین بانوی مسلمان و مدافع اسلام، دارای نقش مهمی در بنای اسلام نو پا بود. در پیشینه شناسی حضور مؤثر بانوان می‌توان به آیاتی از سوره مبارکه تحریم استناد نمود که در آن، بانوان قرآنی به عنوان الگوی جامعه ایمانی معرفی می‌شوند.^۱

حضور اجتماعی بانوان، موازی اهتمام ویژه اسلام به ارزش‌مندی جایگاه فردی و اجتماعی آنان شکل گرفته است و با حضور بانوان در اجتماعات عصر نبوی و عصر ائمه علیهم السلام پویا شده است. در صدر اسلام، بانوانی ظهور عالمانه داشتند و در نقش

۱. وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانٌ مِنَ الْقَانِنِينَ؛ باز خدا برای مؤمنان (آسیه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که (از شوهر کافرش بیزاری جست و) عرض کرد: بار الهی (من از قصر فرعونی و عزت دنیوی او گذشتم) تو خانه‌ای برای من نزد خود در بهشت بنا کن و مرا از شرّ فرعون (کافر) و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش، و (خداوند به) مریم دختر عمران (نیز مثل زده است). زنی که دامن خویش را (از گناه) حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم (تاعیسی در دامان او متولد شد) و کلمات پروردگارش و کتب آسمانی را تصدیق کرد و از اطاعت پیشه‌گان بود (تحریم: ۱۱، ۱۲).

آفرینی‌های علمی چون حوزه نقل و کتابت حدیث مؤثر بودند.^۱ ظهور بانوان فرهیخته در عرصه سیاسی و فکری جامعه نوپای اسلامی از شگفتی‌های آن روزگار محسوب می‌شود.

در تاریخ از بانوانی یاد می‌شود که در فضای رواج سنت شفاهی در شبه جزیره و نبود یا کمبود وسایل کتابت نقش آفرین بودند. در آن شرایط، تکیه بر فن بیان و سخنوری از مهارت‌های بسیار ضروری و مهم به شمار می‌آمد. این مقاله به تبیین مجاهدت علمی ام‌الخیر بنت‌الحریش بن سراقه می‌پردازد که نماینده‌ای از جامعه بانوان عصر علوی است و دانش و معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان در خطابه او تحلیل نمود.

او عالمانه از جبهه حق علوی و میانی و اصول اسلام راستین دفاع می‌کرد و با بهره‌گیری از اسلوب خطابه به تشویق لشکریان و ترساندن معاندان می‌پرداخت. تأثیر کلام او بعد از معرکه بر یاد و خاطره حاضران باقی ماند. ماندگاری کلام او به گونه‌ای است که یکی از حاضران مجلس معاویه، به بازگویی محورهای مهم خطبه او پرداخت.^۲

این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی، دلالت‌های تاریخی خطبه ام‌الخیر بنت‌حریش را بررسی می‌نماید و نقش این بانوی فرهیخته را در اثبات حقانیت امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام تبیین می‌نماید.

در بررسی پیشینه علمی این مقاله با وجود جست‌وجوی بسیار، پیشینه مستقلی درباره نقش آفرینی بانوان شیعه با مورد مطالعاتی ام‌الخیر بنت‌الحریش یافت نشد و تحلیل و بررسی تلاش علمی فرهیختگان تاریخ زنان شیعه، نیازمند مراجعه به منابعی است که به عنوان پیشینه عام مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

۱. مفید، الاختصاص، ص ۳۲۳.

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۷۰، ص ۲۳۳.

۲. زیست‌نامه ام‌الخیر

درباره شرح احوال ام‌الخیر مطلب چندانی در دست نیست. منابعی چون کتاب‌های پایین، هر یک به شکلی از ام‌الخیر نام می‌برند و به بیان خطبه او می‌پردازند.

کتاب *اخبار الوافدات من النساء علی معاویة بن ابی سفیان اثر العباس بن بکار الضبی* (د. ۲۲۲ ق) که از منابع دست اول به شمار می‌رود، نام شانزده نفر از زنانی که در جنگ‌ها در سپاه امام علی علیه السلام حضور فعال داشتند و تأثیرگذاری آنان به گونه‌ای بود که معاویه پس از به قدرت رسیدن، آنان را به دربار خویش فرا خواند همراه با نوع فعالیت‌های آنان بیان می‌شود که ام‌الخیر یکی از آنان است.

بانوان دیگر عبارت‌اند از: ام سنان بنت خثیمة، عکرشة بنت الاطش، دارمیه حجونیه، ام البراء بنت صفوان، اروی بنت حارث بن عبدالمطلب، آمنه بنت الشرید، جروه بنت مرة، فارغة بنت عبدالرحمان حارثی، زنی از قبیله بنی ذکوان، زرقا بنت عدی همدانی، سوده بنت عماره همدانی، بکاره هلالی، زن ابوالاسود دثلی، امامه بنت یزید بن صعق و خواهر عبدالله بن عامر.

ماجرای حضور ام‌الخیر بنت حریش در دربار معاویه برای نخستین بار در این کتاب مطرح می‌شود و بسیاری از منابع پسین به نقل از ضبی، خطبه فصیح او را نقل می‌کنند. ضبی در کمتر از هفت صفحه به او می‌پردازد و در ابتدای مدخل، بدون معرفی او به دستور معاویه برای انتقال ام‌الخیر از کوفه به شام اشاره می‌کند.^۱

کتاب *بلاغات النساء اثر ابوالفضل، محمد بن طاهر معروف به ابن ابی طیفور* (د. ۲۸۰ هجری)، این کتاب بخشی از مجموعه *المنثور و المنظوم* او است و جز بخش دوم از آن بر جای نمانده است. ابن طیفور در این کتاب، اخبار مجموعه‌ای از زنان بلیغ و فصیح را گردآوری کرده است. ایشان با عنوان وفود ام‌الخیر بنت حریش علی معاویة به خطبه این

۱. ضبی، *اخبار الوافدات من النساء علی معاویة بن ابی سفیان*، ص ۲۷.

بانو اشاره می‌کند و بدون بیان مطلبی درباره شرح حال این بانو به بیان امر معاویه به حضور ایشان در شام می‌پردازد.^۱

کتاب *العقد الفرید*، اثر ابن عبد ربه اندلسی (د. ۳۲۸ ق) در هشت مجلد نوشته شده است که در جلد هفت با عنوان کتاب *المرجانة الثانية فی النساء و صفاتهن*، مباحثی درباره زنان می‌آورد و به سخنان و اشعار ام‌الخییر می‌پردازد.^۲

کتاب *تاریخ مدینة دمشق*، اثر ابن عساکر دمشقی (د. ۵۷۱ ق) که مجلد مربوط به زنان آن به وسیله سکینه شهبابی در سال ۱۹۸۱م در دمشق چاپ شده است. به نظر می‌رسد در دو کتاب *القیان و النساء الشواعر ابوالفرج اصفهانی* (د. ۳۵۶ ق) که در دسترس ما نیستند، اما ابن عساکر در *تاریخ مدینة دمشق* برای شرح حال زنان از آنها استفاده کرده است از این بانو یاد شده باشد؛ زیرا او از زنان شاعر بوده است.

ابن عساکر در *تاریخ مدینة دمشق* در توصیف ام‌الخییر می‌نویسد:

او با معاویه گفت‌وگویی کرد که دلالت بر فصاحت و اوج عقلانیت او

دارد.^۳

ابن عساکر پس از این جمله به نقل سند برای ملاقات ام‌الخییر و معاویه می‌پردازد و به سند خود، همه راویان تا عباس بن بکار، صاحب *اخبار الوافدات* از عبیدالله (در منابع پیشین عبدالله) بن عمرو (عمر) الغسانی از شعبی را نقل می‌کند. این ماجرا در کتاب *جمهرة خطب العرب* که نویسنده آن مجهول است با همین سند آورده شده است.^۴

۱. ابن طیفور، *بلاغات النساء*، ج ۱، ص ۱۶-۱۷.

۲. ابن عبد ربه، *طبائع النساء و ما جاء فیها من عجائب و أخبار و أسرار*، ج ۱، ص ۲۳۵؛ همو، *العقد الفرید*، ج ۱، ص ۳۴۴-۳۴۶.

۳. ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*، ج ۷۰، ص ۲۳۳.

۴. ناشناس، *جمهرة خطب العرب*، ج ۱، ص ۳۶۹.

پس از او، الشمشاطی (د. ۳۷۷ ق) در کتاب ارزشمند ادبی خود، الانوار و محاسن الاشعار اشعار و سخنان ام‌الخیر را به عنوان نمونه تحسین برانگیز شعر عرب می‌آورد.^۱ آبی (د. ۴۲۱ ق) در کتاب نثر الدر فی المحاضرات به سخنان او می‌پردازد.^۲ نویری (د. ۷۳۳ ق) در نهاية الارب و فی فنون الادب به سخنان ام‌الخیر اشاره می‌کند.^۳ در کتاب‌های تراجم و اعلام متأخر به طور معمول از بلاغات النساء نقل می‌کنند.^۴

با بررسی منابع پیشین، اطلاعات زیست‌شناختی اندکی از زندگانی ام‌الخیر به دست می‌آید. ابن‌کلبی (د. ۲۰۴ ق) درباره نسب جد ام‌الخیر می‌نویسد:

پدرش سُرَاقَة بن مِرْدَاس بن أَسْمَاء بن حَارِثَة بن خَالِد بن عَوْف بن عمرو بن

سعد بن ثعلبة بن کنانة بن بارق شاعر است.^۵

بنابراین، جد او از شعرای عرب بوده است و وصف بارقیه به سبب انتساب به نیای وی، بارق است. هم‌چنین، او ازدی بوده است که از مشهورترین قبایل عرب در عصر جاهلی به شمار می‌رود.^۶

صاحب‌اعیان‌الشیعة (د. ۱۳۷۱ ق) او را از تابعان می‌داند که پیامبر صلی الله علیه و آله را ندیده است.

او در مدخل ام‌الخیر می‌نویسد:

تابعية لم تر النبي صلی الله علیه و آله و رأت أصحابه و هي من أهل الكوفة معروفة بالذكاء

و الفصاحة و البلاغة.^۷

۱. شمشاطی، الانوار و محاسن الاشعار، ص ۷۳.

۲. آبی، منصور بن الحسین، نثر الدر فی المحاضرات، ج ۴، ص ۵۶.

۳. نویری، نهاية الارب، ج ۷، ص ۱۸۷.

۴. اعلمی حائری، تراجم اعلام النساء، ۱، ص ۲۶۴؛ حسون، تراجم اعلام النساء، ۱۲۶.

۵. ابن‌کلبی، نسب معد و الیمن‌الکبیر، ج ۲، ص ۴۶۴.

۶. همان.

۷. امین، اعیان‌الشیعة، ج ۳، ص ۴۷۶.

در برخی منابع اینترنتی، مانند ویکی‌پدیا به اشتباه با استناد به اعیان الشيعة، او را صحابه می‌دانند و تعبیر لها رؤیة للنبي محمد را درباره او به کار می‌برند. سید محسن امین، پیش از مدخل ام الخیر بنت الحریش به شرح حال ام خالد بنت خالد بن سعید بن العاص می‌پردازد و با اشاره به صحابه بودن او به نقل از استیعاب ابن عبدالبر می‌نویسد:

و به کانت تکنی روت عن النبی؛ ام الخیر کنیه او بود و او از پیامبر روایت می‌کرد.^۱

ساده‌ترین، تعریف از اصطلاح صحابه این است که پیامبر ﷺ را دیده باشد. بخاری(د. ۲۵۶) در این باره می‌نویسد:

صحابی به کسی گویند که مصاحب پیامبر بوده است، یا این که پیامبر را دیده باشد.^۲

احمد بن حنبل درباره صحابه می‌نویسد:

صحابی کسی است که مصاحب پیامبر باشد. حال این مصاحبت یک ماه طول کشیده باشد، یا یک روز و یا یک ساعت فرقی نمی‌کند. مهم این است که فقط پیامبر را دیده باشد.

هم‌چنین، برخی معتقد هستند که صحابی شخصی است که پیامبر ﷺ را دیده باشد. در حالت بلوغ، اسلام آورده باشد و دین را فهمیده، درک کرده و آن را باور کرده باشد. بعضی دیگر، صحابی را کسی می‌دانند که مصاحب پیامبر ﷺ باشد، گرچه یک ساعت باشد.^۳ بر اساس این تعاریف، ام الخیر که پیامبر ﷺ را ندیده است، در جمع صحابیات به شمار نمی‌رود و از تابعان است.

۱. همان.

۲. بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۸۸.

۳. ر.ک: البغدادی، الکف فی علم الرو، ج ۱، ص ۵۱؛ ابن الجوزی، تلیح فہوم أهل الأثر فی عیون التاریخ، ج ۱، ص ۷۱؛ السخاوی، فتح المغیث شرح ألفیة الحدیث، ج ۳، ص ۹۳.

۳. گزارش حضور ام‌الخیر در دربار معاویه

بر اساس گزارشی که عباس بن بکار ضبی (د. ۲۲۲ ق) در *اخبار الوافدات* و ابن طیفور (د. ۲۸۰ ق) در *بلاغات النساء* آورده است و بسیاری از منابع شیعی و اهل سنت از آن نقل می‌کنند، معاویه نامه‌ای برای والی خود در کوفه نوشت و در آن از او خواست که وسایل سفر ام‌الخیر را از کوفه به شام مهیا نماید. والی کوفه به حضور این زن آمد و نامه را برای او خواند. این بانو در جواب گفت:

اما فغیر زائغة عن طاعة؛ من نسبت به ملاقات با معاویه بی رغبت نیستم.

نکته قابل تأمل این است که خانم سکینه الشهبابی، مصحح و محقق *اخبار الوافدات* در مقدمه کتاب، هدف معاویه از ارسال پیک و فراخواندن این بانوان را بردباری معاویه در بخشش این بانوان می‌داند و به پاسخ ام‌الخیر در جواب دعوت معاویه استناد می‌نماید. حال آن‌که با مطالعه و تحلیل محتوای سخنان او درمی‌یابیم که بانوی مدافع ولایت، به دنبال بیان عقاید خویش بوده است.

والی کوفه، وسیله سفر این زن را از کوفه به شام فراهم کرد و هنگام بدرقه و خداحافظی به او گفت:

ای ام‌الخیر! معاویه برای من نوشته است که مبنای تصمیم‌گیری‌ش نسبت به

تعیین پاداش یا کیفر من، گزارش تو خواهد بود.^۱

او توقع داشت با این بیان، زن توصیه‌ای به نفع او در دربار معاویه کند، اما این بانو در جواب او گفت:

از این که تو نسبت به من محبت کردی، طمع نکن که من گزارش باطل

بدهم و تو را مسرور و خوشحال کنم و از آن جهت که من تو را می‌شناسم،

۱. ضبی، *أخبار الوافدات من النساء علی معاویة بن أبی سفیان*، ص ۲۷؛ ابن طیفور، *بلاغات النساء*،

شناخت من از تو ناامیدت نکند که درباره تو غیر حق بگویم. من آنچه را از تو سراغ دارم می گویم.

معاویه پس از سه روز از ورود ام الخیر به شام، او را در حضور درباریان خود پذیرفت و پس از پرسش از شیوه مسافرت، به او گفت:
من چون نیت خیر داشتم در جنگ صفین و غیر صفین بر شما پیروز شدم و شام توانست کوفه را زیر سلطه خود درآورد.

ام الخیر با شهادت و در حالی که احتمال خطر جانی می داد در پاسخ گفت:
خدا تو را پناه دهد از این که حرف باطلی بر زبان آوری و مطلبی بگویی که عاقبت آن هراسناک است. این که گفتمی من در اثر حسن نیت پیروز شدم این چنین نیست.

معاویه که متوجه صراحت بیان و شجاعت این بانو در ابراز عقایدش شد، با سیاست خاص خود موضوع را تغییر داد و گفت:
ما در این زمینه نخواستیم، سخن بگوییم. بلکه برایمان بگو که در هنگام قتل عمار یاسر در صحنه صفین چه گفتی؟

ام الخیر جواب داد:
من از قبل، آن سخنان را نساخته بودم و بعد هم، آنها را ثبت نکردم و برای دیگران نقل نکردم. آن کلماتی بود که هنگام صدمه و آسیب دیدن عمار بر زبانم جاری شد. اگر مایل باشید، ما در زمینه دیگر با شما سخن بگوییم. آن سخنان را در این جا مطرح نکنید.

در حقیقت، ام الخیر با این جمله می خواست، محور گفت و گو را در دست خویش گیرد، اما با زیرکی معاویه چنین نشد. گویا مطالب مهم تری در نظر این بانو بود که خواستار تغییر فضای بحث شد. معاویه رو به درباریانش کرد و گفت:

کدام یک از شما، حافظ سخنان این بانو در صحنه قتل عمار در جنگ صفین

بودید؟

یکی از حاضران دربار معاویه گفت:

من بعضی از سخنان او را حفظ هستم.

معاویه از او خواست، سخن بگوید و او گفت:

من دیدم، او دو بُرد که محکم بافته شده بود در بر کرده و روی شتر سوار

است و در دستش تازیانه‌ای است که لبه‌های آن پراکنده هست و در یک حالت

فرماندهی با شهامت و شجاعت هم‌چون یک دلیر سخن می‌گوید.^۱

مرد شاهد پس از توصیف حرکات ام‌الخیر به سخنان او که سبب تحریض و تشویق

سپاهیان امام علی علیه السلام می‌شد، پرداخت و سخنرانی این بانو در جنگ را تا انتها بیان کرد.

آن‌گاه معاویه به گفت‌وگوی مستقیم با ام‌الخیر پرداخت و دیدگاه او درباره شخصیت‌های

مهم تاریخ اسلام را پرسید و ام‌الخیر با شجاعت و صداقت پاسخ داد.

در این گفت‌وگو می‌توان به آرای ام‌الخیر در حمایت از شخصیت‌های تأثیرگذار شیعه

پی برد. این گزارش طولانی است و بیان تمام رفتارها، برخوردها و تحلیل مجموعه

سخنان ام‌الخیر از ابعاد گوناگون، فرصتی خاص می‌طلبد که در مقاله حاضر فقط به

دلالت‌های کلام او در دفاع از ولایت حضرت علی علیه السلام می‌پردازیم.

۴. تحلیل خطبه ام‌الخیر

بازتاب حضور سیاسی-اجتماعی بانوان شیعه در میراث مکتوب مسلمانان، افتخارآفرین

است و در تاریخ اسلام، شماری از بانوان، مجاهدت‌های ارزنده‌ای در دفاع از حریم ولایت

۱. ر.ک: عباس بن بکار ضبی، اخبار الوافدات، ص ۲۷-۳۳؛ ابن طیفور، بلاغات النساء، ج ۱، ص ۱۶، ۱۷؛

ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۷۰، ص ۲۳۳؛ آبی، نثر الدر فی المحاضرات، ج ۴، ص ۵۶.

و امامت به یادگار گذاشته‌اند. اهمیت این حضور از این رو است که دفاع از حریم ولایت، به عنوان نماد شاخص مکتب تشیع، جلوه دکتترین امامت منصوص و دفاع از علوم و معارف محوری و مبنایی است و اهتمام به تبیین معارف این باور اسلامی، رسالت جامعه شیعی محسوب می‌شود.

از این رو، شیعیان راستین مکتب علوی، با وجود شرایط و جو اختناق و سرکوب دستگاه حاکم، آن را به خوبی ایفا نمودند. نقش آفرینی ام‌الخیر در دفاع از ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با بهره‌گیری از دلایل قرآنی و استدلال‌های عقلی همراه است. او مخاطب خود را گروهی می‌دید که داعیه قرآن داشتند و خود را پیروان قرآن می‌خواندند. از این رو، استناد به دلایل قرآنی در جای‌جای کلام او مشهود است. او در مواردی از استدلال و روش‌های مؤثر در خطابه بهره می‌گرفت.

اهمیت سخنان این بانو، زمانی بیشتر آشکار می‌شود که روشن شود جنگ صفین، سرآغاز انحراف‌های فکری و کلامی و ظهور فرقه‌های مختلف در دایره اسلام و مسلمانی و تفکراتی مانند خوارج، مرجئه و اشاعره است. محورهای سخن او به شرح زیر است:

۴-۱. حق محوری و امر به تقوای الهی در مخالفت با طریق آشکار

این صحابه در خطبه خویش، مخاطب را به حق محوری فرا می‌خواند. به تعبیر ایشان، انحراف از مسیر حق به منزله سقوط در تباهی است. این مطلب روشن و همه فهم است و تطبیق حق بر مصداق خود به جهت تبعیت و شناخت باطل و مصادیق آن به جهت دوری از آن، اموری است که در ادامه خطبه با تحلیل مدبرانه این صحابه امیرمؤمنان علیه السلام به ثمر می‌رسد.

شاخص‌های حق مداری در بیان ایشان در آخرت طلبی و دنیا زدایی تبیین می‌شود. او اولیای الهی و طرفداران حق را کسانی معرفی می‌کند که ترک دنیا طلبی می‌نمایند و با انتخاب مقصد اخروی خویش، قدم در آن می‌گذارند. هشدار درباره عاقبت جدا شدن از حق

و پیوستن به شیطان با تأکید بر باورهای اسلامی، محور سخنان ام‌الخیر است. او در این باره می‌گوید:

آگاه باشید! هرکس از طریق حق گمراه شود به ورطه باطل و گمراهی خواهد افتاد. دوستان الهی، عمر دنیا را اندک و ناچیز می‌شمارند و دنیا را رها می‌کنند و در برابر آخرت را طولانی می‌دانند و سعی و تلاش خود را در جهت آن مصروف می‌دارند. ای مردم! خدا را در نظر بگیرید و از شیطان دوری گزینید، قبل از این که حقی را پامال کنید و حدودی را تعطیل نمایید. پروردگار شما را رحمت کند به کجا می‌روید؟^۱

هم‌چنین، فرازی از کلام ایشان با فراخوان تقوای الهی همراه است؛ زیرا منشأ و خاستگاه مخالفت‌های جبهه باطل و حق ستیزی، تبعیت از هواهای نفسانی است تا جایی که دلایل روشن حق با سلاح توجیه و تزویر محو می‌شود و دلایل تاریک و مشوش باطل با تزیین و تشبیه جلای حقانیت می‌یابد.

این بانوی بزرگوار با یادآوری زلزله عظیم و دهشتناک آستانه قیامت، مخاطب را که در جایگاه مقابله و مخالفت با رهبر جامعه اسلامی است در راهی که برگزیده با تردید روبه‌رو می‌کند و اصالت حق و وضوح دلایل حقانیت را یادآور می‌شود. ایشان جدایی از رهبر و حاکم به حق را به منزله گمراهی و تاریکی می‌داند و رهایی امت بدون امام و هادی را به منزله سرگردانی می‌داند و در این باره می‌گوید:

ای مردم! از پروردگار خود پروا کنید؛ چرا که زلزله رستاخیز امری هولناک است.^۲ پروردگار متعال، حق را برایتان روشن و واضح ساخت و حجت را تمام کرد. خداوند متعال شما را در سرگردانی و تاریکی قرار نداد و طریق

۱. ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۵۵.

۲. حج: ۱.

هدایت را برایتان آشکار کرد.^۱

۲-۴. ریشه یابی انحرافات و پرهیز دادن از خطر ارتداد از دین

یکی از محورهای مهم سخن ام الخیر، ریشه یابی آرای جریان مخالف و نقد و تحلیل آن است. ایشان دشمنی‌های امروزی با حکومت علوی را پی‌آمدی از بی‌ایمانی‌های گذشته و مبانی فکری باطل در برتری تفکر جاهلی نسبت به باورهای اسلامی معرفی می‌کند و کینه‌های برجای مانده از اعتلا و فراگیری اسلام و مغلوب شدن دیدگاه جاهلیت را با تعابیری دقیق از نمادها و شاخص‌های آن ارائه می‌نماید و می‌گوید:

این دشمنی، کینه بدری و عقده‌های جاهلی و دشمنی‌های مربوط به جنگ احد است. سوگند به خدا! هر کس از راه حق گمراه شود در باطل خواهد افتاد و هر کس، بهشت را انتخاب نکند به دوزخ فرو می‌افتد.^۲

این بانوی بزرگوار از جبهه باطل و سران لشکر شام به عنوان پیشوایان کفر یاد می‌کند و لشکریان حق را بر جنگ با آنان تحریک می‌نماید و به سوره توبه استناد می‌کند که می‌فرماید:

پس با پیشوایان کفر بجنگید؛ چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که

[از پیمان شکنی] باز ایستند.^۳

ام الخیر شرایط جنگ و صف آرایی دو جبهه حق و باطل را با بهره‌گیری از آیه «به طور قطع، شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی.. می‌آزماییم»^۴ صحنه ابتلا و

۱. ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۵۵.

۲. همان.

۳. توبه: ۱۲.

۴. بقره: ۱۵۵.

آزمایشی ترسیم می‌کند که در آن آزمون، مجاهدان و صابران شناخته می‌شوند. او کلام الهی در قرآن را مستند گفتار خویش قرار می‌دهد و می‌گوید:

البتّه شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را باز شناسانیم، و گزارش‌های [مربوط به] شما را رسیدگی کنیم.^۱

این بانوی شجاع شیعی، آنان را که از لشکر امام علی علیه السلام جدا شدند، مورد خطاب قرار داد و فرارشان را ارتداد از حق و کراهت از اسلام دانست و گفت:

خداوند! شما را رحمت کند. چه چیزی را جست‌وجو می‌کنید؟ آیا به دنبال فرار از امیرالمؤمنین هستید؟ یا از جنگ و کارزار می‌گریزید؟ یا از حق روی برگردانده‌اید و مرتد شده‌اید؟^۲

۳-۴. توصیف اهل شام به بی‌خردان و گمراهان

هم‌چنین، ایشان در وصف خود از مردم شام، به آیات ۵۰ و ۵۱ سوره مدثر استناد می‌کند. در این آیات، تعبیری بسیار رسا و گویا از وحشت و فرار مشرکان از آیات قرآن بیان می‌شود. قرآن آنها را به گورخر تشبیه می‌کند که فاقد عقل و شعور است و به دلیل وحشی بودن از همه چیز گریزان است. در حالی که با این‌همه نادانی و بی‌خبری پر ادعا و متکبر هستند.^۳ تأکید بر بصیرت‌افزایی و ثبات بر دین در خطاب عام به مهاجران و انصار، افزون بر اشعار ایشان، از زمان شناسی و نیاز سنجی مخاطب حکایت می‌کند. ام‌الخیر در این باره می‌گوید:

ای گروه مهاجر و انصار! صبر پیشه کنید و با بصیرت و ثبات قدم در دین پیکار نمایید. گویی شما را می‌بینم که در پیکارتان، اهل شام را ملاقات می‌کنید.

۱. محمد: ۳۱.

۲. ابن‌طیفور، بلاغات النساء، ص ۵۶.

۳. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۶۳.

اهل شامی که مانند خران رمنده‌ای که از پیش شیری گریزان می‌شود^۱، اهل شامی که نمی‌دانند در کدام پناهگاه زمین خود را مخفی کنند.^۲

هم‌چنین، ام‌الخیر در توصیف شامیان به آیه دیگری استناد می‌نماید که در قرآن کریم در وصف منافقان به کار رفته است. کسانی که به تعبیر کلام الهی، آخرت و سرای جاودان را به بهای ناچیز دنیا می‌فروشند.^۳ او در بیان صفت شامیان می‌گوید:
اینان کسانی هستند که آخرت خویش را فروختند و ضلالت و گمراهی را برگزیدند و کوردلی را جای‌گزین بصیرت قرار دادند.^۴

ام‌الخیر درباره ندامت زود هنگام جبهه معاویه می‌گوید:
به زودی سخت پشیمان خواهند شد.^۵ زمانی که ندامت و پشیمانی دامن‌گیر آنان می‌شود و فریاد یاری سر می‌دهند و دیگر مجال گریز نبود.^۶

۴-۴. توحید مداری و تنبه به وحدت کلمه در قالب دعا

بنت حریش پس از طرح دلایلی قرآنی و براهینی مستدل در باب لزوم تبعیت از امیرمؤمنان و همراهی با رهبر امت اسلامی، سخن خویش را در قالب دعا و مناجات با پروردگار الهی عنوان می‌نماید و بیش توحیدی خویش را به عنوان یکی از پیروان شایسته جبهه حضرت به محکمه قضاوت مخاطبان می‌کشانند و اجتماع قلوب مسلمانان را طلب

۱. مدثر: آیه ۵۰ و ۵۱.

۲. ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۵۶.

۳. أُؤَلِّئُكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ؛ همین کسانی که گمراهی را به [بهای] هدایت خریدند، در نتیجه داد و ستدشان سود [ی به بار] نیاورد؛ و هدایت‌یافته نبودند (بقره: ۱۶).

۴. ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۵۶.

۵. مؤمنون: ۴۰.

۶. ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۵۶.

می‌نماید. درخواست بازگشت حق به اهل حق، نمادی از حقانیت جبهه امیرمؤمنان و پیروان حضرت است که این بانو در قالب دعا به مخاطب تفهیم می‌نماید و می‌گوید:

پروردگارا! یقین و باور به سستی گراییده است و آرزوها گسترش یافته است، خدایا قلب‌ها در دست تو است، قلوب مسلمانان را بر اساس تقوا با یکدیگر متحد بنما و دل‌ها را بر اساس هدایت جمع کن و حق را به اهلش بازگردان.^۱

۴-۵. بحث از نبوت و مباحث مرتبط با آن

بحث بعدی که در این خطبه مشهود است، استفاده از ظرفیت‌های علمی بحث نبوت و ولایت است. این بانو نخست از جایگاه رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یاد می‌کند. او به بیان ارتباط نسبی و سببی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌پردازد و در این بحث، علاوه بر نسبت‌های یاد شده به هم‌جهتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرمؤمنان علیه‌السلام در اهداف و برنامه‌ها اشاره می‌نماید و مخاطب را به ارتباط معنوی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام با حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متوجه می‌کند.

مطالب بعدی ایشان، ناظر به روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره فضیلت و برتری امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام است که مضامین و محتوای روایات در باب جعل ذریه نبوی در صلب حضرت^۲، صاحب سر حضرت بودن^۳، معرفی حضرت به عنوان باب علم از سوی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم^۴، ملاک تشخیص منافق از مؤمن^۵، بت شکن بودن حضرت^۶، پیش‌گامی

۱. همان.

۲. اربلی، کشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۵۳.

۳. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۵۳.

۴. شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۴۵؛ شیخ مفید، الامالی، ص ۲۳۸.

۵. طبری، المسترشد فی امامه علی بن ابی طالب، ص ۴۵۷.

۶. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۷۷.

حضرت در اسلام^۱ و شجاعت حضرت در جنگ‌های بدر، احد، احزاب و خیبر^۲ در کلام بنت حریش به کار برده می‌شود. او در این باره می‌گوید:

خداوند! شما را رحمت کند. پس به دنبال چه چیزی هستید در مقابل پسر عمومی پیامبر خدا و داماد ایشان و پدر دو نوردیده رسول خدا ﷺ، کسی که محرم اسرار نبوت بود و پیامبر خدا او را باب شهر خود قرار داد. کسی که به واسطه بغض او، منافقان شناخته می‌شوند. فردی که بت‌های جاهلیت را شکست. او که در حالی که همه مشرک بودند با رسول خدا به نماز ایستاد و زمانی که همگان از پیامبر اطاعت پذیری نداشتند، ایشان را تبعیت کرد. قاتل مشرکان در جنگ بدر و درهم شکننده کفار در احزاب و احد. کسی که خداوند، اهل خیبر را به وسیله او به هلاکت رساند.^۳

بانوی خطیب شیعه با طرح دلایل یقینی، بیان سیره عادلانه امیرمؤمنان و براهین قطعی حق‌مداری ایشان که با تزویر و نیرنگ معاویه در غبار تردید فرو رفته بود، سعی در بیداری و غفلت‌زدایی کرد. او با بیان صفاتی از امام که افزون بر باور عمومی نسبت به آن، گویای خصایص ویژه حضرت بود، مسیر گزینش و انتخاب را هموار کرد. ظرافت‌های کلامی در کلام ایشان مشهود است و ابن طاووس در بیان دلایل امامت منصوص به این فراز از سخنان ام‌الخیر استناد می‌کند^۴ و می‌گوید:

هلموا رحمک الله الی الامام العادل والرضی التقی و الصدیق الاکبر.

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۳۵؛ فرات کوفی، تفسیر فرات کوفی، ص ۳۴۱.

۲. هلالی، کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۶۴۱.

۳. ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۵۷.

۴. ابن طاووس، الطرائف، ص ۲۹.

۵. نتیجه

تحلیل رخدادهای تاریخی، مرتبط با بررسی شرایط و اوضاع سیاسی اجتماعی هر جامعه است. این مقاله که با هدف تحلیل خطبه تاریخی ام‌الخیر بنت حریش ارائه شد، گویای نقش آفرینی ام‌الخیر بنت حریش در عصر حکومت امام علی علیه السلام است. اهمیت تأثیر گذاری کلام ایشان از این جهت است که این سخن در زمانی ایراد شد که جریان‌های فکری منحرف، راه تشخیص حق از باطل را با غبار شبهه آمیخته بودند و لشکریان امیرالمؤمنین علیه السلام را در یاری حضرت به تردید کشانده بودند.

حضور فعال او در جنگ صفین در راستای تقویت و تثبیت مبانی فکری و اصلاح بینش و رفتار جامعه عصر علوی است. اندیشه ورزی این بانو را می‌توان در خطبه کوبنده او نظاره کرد. از تحلیل فرازهای خطبه، تلاش فراگیر اندیشمندی ولایت مدار منتج می‌شود که با لطافت‌های استدلالی و بهره‌گیری از شیوه‌های تخاطب، مخاطب را اقناع می‌کند.

این بانو با تقریر دلایل قرآنی و کاربست آیات کلام الهی، جبهه باطل را توصیف می‌کند. دنیا مداری و غفلت را نکوهش می‌نماید و از مخالفت با فرامین الهی و تبعیت از هوای نفس پرهیز می‌دهد. بهره‌گیری از آیات دال بر ابتلا و آزمون الهی و صبر مداری از دیگر محورهای کلام قرآنی ایشان است هم‌چنین، او تلاش می‌کند نقاب از چهره باطل بزداید و با بیان آیاتی که گمراهان و بی‌خردان را وصف می‌کند، جبهه مقابل را به تصویر درآورد.

توحیدمداری و استناد به ابعاد هدایت الهی به وسیله راهنمایان آسمانی و استناد به دلایل نقلی و عقلی که برتری امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام را مستدل می‌کند از دیگر، دست‌آوردهای این بانوی مکتب علوی است.

منابع

۱. ابن الجوزي، جمال الدين أبي الفرج عبد الرحمن، تلقيح فهوم أهل الأثر في عيون التاريخ، بيروت: شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم، ۱۹۹۷م.
۲. ابن بابويه، محمد بن علي، الأمالي، تهران: كتابچی، ۱۳۷۶.
۳. _____، الخصال، قم: جامعه مدرسين، ۱۳۶۲.
۴. ابن طاووس، رضی الدين. أبي القاسم علي بن موسى، الطوائف في معرفة مذاهب الطوائف، قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۰ق.
۵. ابن طيفور، احمد بن أبي طاهر، بلاغات النساء، قم: الشريف الرضي، بی تا.
۶. ابن عبد ربه الأندلسي، أحمد بن محمد، طبائع النساء و ما جاء في ها من عجائب و أسرار، قاهره: مكتبة القرآن، ۱۴۰۵ق.
۷. _____، العقد الفريد، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۲۰ق.
۸. ابن عساكر، أبو القاسم علي بن الحسن بن هبة الله، تاريخ دمشق، تحقيق عمرو بن غرامة العمري، بی جا: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵م.
۹. أبو عمر، شهاب الدين أحمد بن محمد بن عبد ربه ابن حبيب ابن حدير بن سالم المعروف بابن عبد ربه الأندلسي، العقد الفريد، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۴ق.
۱۰. ابن عبد ربه، شهاب الدين أحمد بن محمد بن عبد، طبائع النساء و ما جاء في ها من عجائب و أخبار و أسرار، القاهرة: مكتبة القرآن، ۱۴۰۵ق.
۱۱. اربلي، علي بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تصحيح هاشم رسولی محلاتی، تبريز: بی نا، ۱۳۸۱.
۱۲. اعلمی حائری، محمد حسين، تراجم اعلام النساء، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۴۰۷ق.
۱۳. امين، محسن، أعيان الشيعة، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۱۴. الآبي، أبو سعد، الرازي، منصور بن الحسين، نثر الدر في المحاضرات، تحقيق خالد عبد الغني محفوظ، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
۱۵. بخاري، محمد بن اسمعيل بن ابراهيم، صحيح بخاري، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر، ۱۴۱۰ق.
۱۶. البغدادي، أحمد بن علي بن ثابت أبو بكر الخطيب، الكفاية في علم الرواية، تحقيق ابوعبدالله السورقي، مدينه: المكتبة العلمية، بی تا.
۱۷. حسون، محمد، تراجم اعلام النساء، تهران: اسوه، ۱۴۲۱ق.
۱۸. زكي صفوت، احمد، جمهرة خطب العرب في عصور العربية الزاهرة، بيروت: المكتبة العلمية، بی تا.

۱۹. السخاوي، شمس الدين محمد بن عبد الرحمن، فتح المغيـث شرح ألفية الحديث، دار الكتب العلمية، بيروت: ۱۴۰۳ق.
۲۰. الشمشاطى، على بن محمد بن مطهر العدوى، الانوار و محاسن الاشعار، بغداد: منشورات وزارة الاعلام العراقيه، ۱۹۷۶م.
۲۱. الضبي، العباس بن بكار، أخبار الوفادات من النساء على معاوية بن أبي سفيان، تحقيق سينة الشهابي، مؤسسة الرسالة، بيروت: ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
۲۲. طبرسى، احمد بن على، الإحتجاج على أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضى، ۱۴۰۳ق.
۲۳. طبرى أملی كبير، محمد بن جرير بن رستم، المسترشد في إمامة علي بن أبي طالب عليه السلام، قم: كوشانپور، ۱۴۱۵ق.
۲۴. الكلبي، أبو المنذر هشام بن محمد بن السائب، نسب معد واليمن الكبير، تحقيق ناجي حسن، بی‌جا: مكتبة النهضة العربية، ۱۴۰۸ق.
۲۵. كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي، تصحيح على أكبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۶. كوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفي، تهران: مؤسسة الطبع و النشر في وزارة الإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۰ق.
۲۷. مفيد، محمد بن محمد، الأمالي، قم: كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.
۲۸. ———، الإختصاص، تصحيح: على أكبر غفاری و محمود محرمى زرندي، قم: المؤتمر العالمى لالفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ق.
۲۹. مكارم شيرازى، ناصر و ديگران، تفسير نمونه، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۱.
۳۰. منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام عليه السلام، امام ششم علیه السلام، مصباح الشريعة، بيروت: اعلمى، ۱۴۰۰ق.
۳۱. النويري، شهاب الدين أحمد بن عبد الوهاب، نهاية الأرب في فنون الأدب، لبنان: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
۳۲. ورام بن أبي فراس، مسعود بن عيسى، مجموعه ورام، قم: مكتبه فقيه، ۱۴۱۰ق.
۳۳. هلالى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالي، تحقيق انصارى زنجاني و محمد خوئينى قم: الهادى، ۱۴۰۵ق.